

مقدمه

قرن نوزدهم میلادی مقطعی سرنوشت‌ساز برای تاریخ جهان اسلام بود. در این برهه تاریخی برخی از سرزمین‌های اسلامی به تصرف دول اروپائی درآمد و با فروپاشی عثمانی در قرن بیستم در واقع جهان اسلام در یک دوره افول سیاسی قرار گرفت. اشغال مصر توسط ناپلئون را می‌توان سرآغاز این حرکت نزولی به شمار آورد که در نتیجه تحولی را نیز به همراه داشت. یکی از آثار بارز این تحول، آشنایی مسلمین با دنیای غرب و مظاهر تمدن مادی بود. هنگامی که مسلمانان وضعیت کشورهای غربی را با وضعیت حکومت‌های استبدادی و خودکامه خود مقایسه کردند، دریافتند که عدم توجه به ظرفیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی سبب این فاصله شده‌است و از این‌رو در پی چاره‌جویی برآمده و دو نظریه به عنوان راه‌حل عنوان گردید. عده‌ای بر این باور شدند که عقب ماندن از قافله تمدن و تجدد چه از نظر فرهنگی و علمی و چه از نظر اجتماعی و سیاسی سبب این همه مشکلات مادی و معنوی شده‌است و البته یکی از موانع را دین‌باوری سنتی می‌دانستند. دسته دوم فرهیختگان جوامع شرقی و مسلمان بودند که در نظر داشتند با اتکا به زیربنای فکری، اعتقادی و سنت‌های ارزشی جوامع می‌توان یک جهش فکری و سیاسی به وجود آورد و حرکتی نو آغاز کرد. در این رابطه اندیشه‌گران اسلامی با توجه به مبانی اعتقادی خود و آشنایی با فرهنگ قرآنی ریشه ناتوانی موجود در جوامع اسلامی را ناشی از نوع دینداری مردم می‌دانستند و نه ناشی از ناکارآمدی دین.

آن‌ها چاره را در احیای فکر دینی و بازگشت به مفاهیم قرآن و سنت می‌دانستند. این دسته در حقیقت طلایه‌داران حرکت بیداری اسلامی بودند که خط روشنی را در تاریخ نهضت اسلامی آغاز کردند. این خط روشن در ابتدا بازیابی هویت فردی و در نهایت بازیابی هویت جمعی بود. جریان بیداری اسلامی در دوران معاصر با سید جمال‌الدین حسینی آغاز شد. او بود که رستاخیزی همگانی در سراسر سرزمین‌های شرق اسلامی، از اندونزی تا مراکش و از آستانه تا صنعاء، بر پا ساخت و مسلمانان مراکش، تونس، الجزایر، مصر، شام، یمن، عراق، ایران، هندوستان و اندونزی را در برابر استعمار و استثمار و استعمار و هرگونه استضعاف به جنبش و تکاپو واداشت. پس از سید جمال‌الدین پرچم احیاء و بیدارگری هم‌چنان برافراشته ماند و فرزندان فکری او، این پرچم را دست به دست به پیش بردند و البته با الهام از گفته‌های سید، بیدارگران ایرانی نیز کاری سترگ را به انجام رساندند.

در تاریخ معاصر کشور ما یکی از اندیشمندانی که با قلم خویش در اصلاح اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی جامعه بر پایه مبانی اسلام بسیار کوشید و در زمره پیشروان نهضت اسلامی ایران قرار گرفت،

سید غلامرضا سعیدی بود. او با آشنائی بسیار خوب با زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسه به خلق و ترجمه آثار علمی ارزشمند پرداخت. وی با نگارش مقالات و کتب بسیار، و ترجمه آثار اندیشمندان اسلامی مانند سید ابوالاعلی مودودی، اقبال لاهوری و محمد رفیع‌الدین به نشر افکار و اندیشه‌های بیدارگران اسلامی و بر ملا ساختن نقشه‌های شوم استعمارگران و صهیونیسم پرداخت و از این طریق در آشنا نمودن مردم ایران با نهضت‌های اسلامی هند و پاکستان، پیروزی نهضت اسلامی الجزایر، بیداری مردم مسلمان فلسطین و سایر کشورهای اسلامی نقشی مهم ایفا نمود. آرمان همیشگی وی ایجاد وحدت در بین مسلمین و تأسیس حکومت اسلامی بود. با توجه به این که بررسی زندگی، تکاپوهای سیاسی و مذهبی و مهم‌تر از همه نقش وی به عنوان یک متفکر آزاد بخشی از تاریخ معاصر ایران را رقم می‌زند، تدوین پایان‌نامه‌ای درباره این شخصیت بیدارگر اسلامی و بررسی افکار و اندیشه‌های اسلامی وی ضروری به نظر می‌رسید و از این رو چهار چوب نظری پایان‌نامه بدین شرح تنظیم گردید:

در فصل اول با عنوان کلیات به بیان مسأله تحقیق، پیشینه و ضرورت تحقیق و اهداف تحقیق پرداخته می‌شود و منابعی را که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته، به طور مختصر معرفی خواهد شد.

در فصل دوم، مفهوم احیای فکر دینی و پیشینه آن از دوران ائمه مورد تحقیق قرار می‌گیرد و سپس روند بیداری اسلامی در دوران معاصر را در برخی از کشورهای خاورمیانه از جمله هند، مصر و عثمانی بررسی کرده و در نهایت چند تن از شخصیت‌های این کشورها که در آگاه‌سازی و بیداری مردم نقش داشته‌اند معرفی خواهند شد.

فصل سوم با عنوان احیای فکر دینی در ایران، امواج این جریان را در دوران معاصر ایران مورد بررسی قرار داده و در پایان به معرفی چند تن از بیدارگران ایرانی از دوران قاجار تا انقلاب اسلامی شده‌است.

فصل چهارم به تحقیق درباره زندگی‌نامه سید غلامرضا سعیدی اختصاص می‌یابد و از چگونگی تربیت وی در زادگاهش یعنی روستای نوزاد از توابع بخش مؤمن‌آباد بیرجند، تحصیلات و ویژگی‌های اجتماعی وی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل پنجم به تحلیل اندیشه‌های دینی و اجتماعی سعیدی از جمله نظریات وی درباره عوامل ناتوانی مسلمین و راه‌های زدودن موانع و پاسخ‌های سعیدی در رد اتهامات مستشرقین نسبت به اسلام و مسلمین خواهیم پرداخت. در فراز دیگری از همین فصل به نظرات او درباره اتحاد اسلامی و رابطه علم و اسلام و در نهایت اندیشه‌های او درباره موقعیت زنان در اسلام و غرب، پرداخته می‌شود. علاوه بر همه این‌ها شخصیت‌هایی که بیشتر از دیگران در شکل‌گیری افکار سعیدی ایفای نقش داشته‌اند در این فصل معرفی شده‌اند.

در فصل ششم به اندیشه‌های سیاسی سعیدی پرداخته می‌شود. در این فصل به همکاری فکری سعیدی در پیشبرد انقلاب الجزایر، تشکیل دولت اسلامی پاکستان و بر ملا ساختن نقشه‌های شوم صهیونیسم در

کشورهای اسلامی به ویژه در فلسطین و نظرات او درباره تشکیل حکومت یا دولت اسلامی در ایران یا هر جای دیگر عالم اسلام پرداخته می‌شود.

مطالعه در زمینه موضوع پایان نامه و گردآوری اطلاعات اولیه با استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌های متعدد و مصاحبه صورت گرفته‌است. اما در جمع‌آوری کتبی که در راستای عنوان رساله باشد با مشکلاتی مواجه شدم که از جمله آن در دسترس نبودن تألیفات و ترجمه‌های سعیدی بود که پایه کار تحقیق را تشکیل می‌داد. لذا با تلاش بسیار، تعدادی از آثار چاپ شده استاد را از طریق آقای اسدالله کاظمی نوزاد به دست آوردم و برای دستیابی به آثار دیگر استاد با همکاری و مساعدت استاد راهنما از گنجینه عظیم کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی بهره بردم. اما برای تکمیل کار مجبور بودم که با افراد صاحب اطلاع از زندگی و افکار سعیدی، مصاحبه داشته‌باشم و البته در این راه با موانعی روبه‌رو بودم؛ چرا که هیچ کدام از دوستان و اقوام سعیدی، بالاخص پس از نقل مکان او به تهران، در بیرجند نمانده و اکنون نیز از فرزندان ایشان هیچ کدام در قید حیات نیستند و تنها دو نفر از نوادگان وی حاضر به همکاری مختصری با اینجانب شدند. علی‌رغم این مسائل توانستم اطلاعات مفیدی از اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و آرشیو مطبوعات و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و انتشارات انصاریان کسب کنم. به هر حال جا دارد در این جا از آقای اسدالله کاظمی که ارتباط بسیار نزدیکی با سعیدی داشتند و به عبارتی از دوستان بسیار صمیمی وی محسوب می‌شدند، به خاطر تمام توجهات و تشویق‌ها و همکاری‌هایشان تشکر کنم و همچنین از استاد گران قدر جناب دکتر رئیس‌السادات که علاوه بر ویراستاری متعدد پایان‌نامه سبب شدند تا بنده بتوانم کتاب‌های تک نسخه کتابخانه آستان قدس را به امانت گرفته و استفاده کنم تشکر می‌نمایم.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱- شرح مسأله

ایران با وجود دور بودن از اروپا، که کانون اصلی رقابت کشورهای قدرتمند بود، از زمان فتحعلی شاه قاجار به علت همسایگی با هند بریتانیا و قرار گرفتن بر سر راه خاورمیانه به هند بیش از پیش مورد توجه کشورهای استعمارگر و اروپائی قرار گرفت. لذا ایران در مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای خارجی، با توجه به ضعف‌های ساختاری جامعه و حکومت، متحمل قراردادهای استعماری و جدایی بخش‌هایی مهم از قلمرو خود در شمال و مشرق شد. شکست‌های ایران در رویارویی با روسیه و انگلیس به تدریج دگرگونی در جامعه پدید آورد. این دگرگونی عبارت بود از لزوم اصلاحات، نخست در بخش‌های نظامی و صنعتی و سپس در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه بخش سیاسی. علاوه بر این در مقابله با استبداد داخلی و رویارویی با استعمارگران خارجی، جنبش بیداری اسلامی برای حفظ دستاوردهای سیاسی و اجتماعی اسلام در ایران و کشورهای همجوار به‌ویژه هند و ترکیه شکل گرفت.

یکی از چهره‌های ماندگار در تاریخ معاصر ایران که نقش فعالی در جنبش احیای دین و حمایت از مسلمانان در برابر جنایات استعمار و استکبار ایفا نمود، سید غلامرضا سعیدی بود که در ۱۲۷۴ش در روستای نوزاد^۱ بیرجند متولد شد و تحصیلات خویش را در زادگاه و مدرسه شوکتیه بیرجند سپری کرد و توانست در زمینه زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و اردو تسلط کامل پیدا کند. سعیدی به سبب علاقه‌ای که به زبان عربی داشت در مدتی که در بیرجند حضور داشت مجله *الهلال* و تعدادی از مطبوعات مصری را که توسط مدیر نراقی وارد مدرسه شوکتیه می‌شد ترجمه و مطالعه می‌کرد. وی از طریق همین مقالات با افکار و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا شد و مانند او به سرنوشت مسلمانان علاقه‌مند شد.

سرانجام سعیدی در ۱۳۲۰ ش در صحنه فرهنگ ایران به طور محسوسی حضور یافت و با همکاری سید جعفر شهیدی مجله *فروع علم* را در تهران منتشر ساخت و به تألیف آثاری پرداخت که بخشی از آن در کشور الجزایر ترجمه شد و در روند مبارزات مردم الجزایر تأثیر بسیار برجای گذارد. بخش دیگری نیز در افغانستان طرفداران زیادی پیدا کرد. پس از تأسیس دولت پاکستان از وی دعوت به عمل آمد تا در مؤتمر اسلامی در کراچی شرکت کند و از آن پس بود که به حکم آشنایی با آمال تجدد، سفر به مناطق مختلف به‌خصوص هندوستان و پاکستان را آغاز کرد و ضمن سفری که به هندوستان داشت با علامه

^۱ . نوزاد یکی از روستاهای شهرستان بیرجند واقع در استان خراسان جنوبی است که هفتاد کیلومتر با مرکز استان فاصله دارد و از نظر موقعیت جغرافیایی از توابع شهرستان درمیان و بلوک مؤمن‌آباد می‌باشد.

اقبال لاهوری آشنا شد و تحت تأثیر افکار وی قرار گرفت. لذا پس از بازگشت به ایران با حضور مستقیم خود در صحنه مبارزات فکری و اجتماعی عالم اسلام و تألیف و ترجمه ده‌ها کتاب ارزشمند اندیشه‌های بیدارگرایانه خود را ترویج داد. وی رسالت خود را در بیدارسازی و روشنگری همه مسلمانان جهان می‌دانست و وحدت و نیرومندی و بیداری آنان، از آرمان‌های والای او بود، در جهت روشنگری مسلمانان هم‌وطن خود نیز پیوسته می‌کوشید و در جریان مبارزات مردم ایران سخت کوشا بوده و علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، به فعالیت سیاسی نیز دست می‌زد.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به نقش فعال سید غلامرضا سعیدی در آگاه‌سازی مسلمانان جهان و خصوصاً مردم ایران برای پی بردن به نقشه‌های شوم کشورهای غربی از جمله آمریکا، انگلیس و اسرائیل از طریق نگارش مقالات و کتب متعدد و ترجمه آثار دیگر پژوهشگران جهان اسلام و همچنین انجام سخنرانی‌هایی در مسجد هدایت و حسینیه ارشاد و از آن جا که تاکنون تأثیر اندیشه‌های سیاسی و دینی وی در روند جریان جنبش بیداری اسلامی در ایران به طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است، ما تصمیم داریم در این رساله این مسأله را مورد تحقیق قرار دهیم.

۳- پیشینه تحقیق

مجموعه آثاری که درباره سعیدی نوشته شده صرفاً به صورت زندگی‌نامه می‌باشند و گاهی در تذکره‌ها و کتب تراجم نیز از ایشان نامی برده شده‌است. به عبارتی می‌توان گفت که فقط در چند اثر به صورت مختصری به اندیشه‌های وی اشاره شده‌است. به طور کلی آثاری که تاکنون به زندگی و افکار سعیدی پرداخته‌اند، عبارتند از:

کتاب *سیمای سعیدی در آئینه تاریخ* که توسط اسدالله کاظمی نگارش یافته و توسط انتشارات مهر نورا در ۱۳۹۱ش به چاپ رسید. مؤلف کتاب از آن جایی که ارتباط بسیار نزدیکی با سعیدی به‌خصوص در پایان عمر وی داشته‌است، اطلاعات موثق و مفیدی را در کتاب خود دارد. با این حال، بخش عمده کار ایشان پرداختن به زندگی، تحصیلات، سفرها و نقش وی در اوضاع سیاسی روز ایران می‌باشد. از این حیث اطلاعات کمتری درباره اندیشه‌های سعیدی ارائه داده‌اند.

دومین اثری که می‌توان گفت ما از آن در رساله خود بهره کافی برده‌ایم، مقاله‌ای تحت عنوان «گذری بر زندگی و کتاب‌های سید غلامرضا سعیدی» نوشته اکبر خوشزاد است، که در شماره چهارم فصلنامه مطالعات تاریخی به چاپ رسیده‌است. این مقاله با ارائه اسناد موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، مطالب مفیدی را ارائه داده‌است.

در ۱۳۷۹ ش نیز همایشی تحت عنوان احیای تفکر دینی، یادنامه استاد مطهری و استاد سعیدی در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بر پا شد که مجموعه مقالات ارائه شده در این همایش در کتابی توسط محمد محسن حمیدی و محمد علی تابعی گردآوری و چاپ گردید. اگر چه بیشتر مقالات آن مربوط به استاد مطهری می‌باشد ولی سه مقاله نیز مربوط به سعیدی دارد که دو مقاله در باب وجه اشتراک و تفاوت اندیشه‌های سعیدی و مطهری و یک مقاله درباره نقش سعیدی در سه گفتمان دینی معاصر می‌باشد. اهمیت سه مقاله مذکور در این است که در خلال آن می‌توان به شمه‌ای از اندیشه‌ها و افکار سعیدی پی برد و به خصوص این که دو احیاگر دینی را نیز با هم به مقایسه گذاشته‌است.

سید محمد تقی انصاریان از همراهان سعیدی در تهران و قم نیز اخیراً کتابی با نام *سرو/ستوار* در انتشارات خود به چاپ رسانیده که می‌توان گفت که مطالب آن کتاب حکم یک پژوهش‌نامه را دارد چرا که فقط قسمت آغازین کتاب مطالب تازه‌ای شامل خاطرات مؤلف با سعیدی را در برمی‌گیرد و باقی آن چاپ مجدد مطالبی است که در روزنامه‌ها و مقالات و کتب مختلف درباره سعیدی نوشته شده است. از جمله این مطالب مصاحبه کیهان فرهنگی با سعیدی در ۱۳۶۴ ش و مصاحبه محمود حکیمی با سعیدی در ۱۳۵۵ ش می‌باشد.

علاوه بر این آثار، نام سعیدی تنها در چند کتاب شرح حال نویسی آورده شده که از جمله در کتاب *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند* تألیف زهرا علیزاده بیرجندی است. کتاب مذکور شرح مختصری درباره زندگی سعیدی و تأثیرپذیری او از اقبال لاهوری دارد. علاوه بر این علی دوانی نیز در کتاب *مفاخر اسلام* جلد سیزدهم شرح خاطرات خود با سعیدی و مختصری از دیدگاه سعیدی درباره مسلمین جهان اسلام را ارائه داده‌است.

اما از همه این‌ها مهم‌تر مصاحبه‌هایی است که با سعیدی صورت گرفته و متن آن در مجله کیهان فرهنگی در سال دوم، شماره هفتم و کتابی به نام *مصاحبه* که توسط حکیمی نگارش یافته، به چاپ رسیده‌است. این منابع حاوی اطلاعات دست اول و مفیدی درباره اندیشه‌های سعیدی است که در منابع دیگر نمی‌توان آن را یافت. علاوه بر این‌ها چند مصاحبه با نزدیکان سعیدی از جمله دکتر سید جعفر شهیدی، داماد ایشان و سید هادی خسروشاهی شاگرد و دوست وی و عالییه سعیدی دختر او در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان به چاپ رسیده که اطلاعات مفید و مختصری را دربر گرفته‌است.

۴- اهداف تحقیق

در این رساله چند هدف را دنبال خواهیم کرد که عبارتند از:

- ۱- آشنایی با ابعاد فکری و سیاسی جنبش احیای فکر دینی در اسلام؛
- ۲- بررسی نقش افکار سعیدی در پیشبرد جریان جنبش بیداری اسلامی.

۵- سؤالات و فرضیات تحقیق

سؤالات اصلی این رساله عبارتند از:

- ۱- اندیشه‌های سید غلامرضا سعیدی از چه سرچشمه‌هایی منشأ می‌گرفته است؟
- ۲- اندیشه‌های سیاسی و دینی سید غلامرضا سعیدی در جریان احیای فکر دینی چه نقشی داشته است؟

فرضیات ما در پاسخ به این سؤالات این چنین خواهد بود که:

- ۱- آشنایی وی با افکار متفکرین جهان اسلام از جمله سید جمال الدین اسدآبادی، علامه اقبال و سید ابوالاعلی مودودی و تأثیرپذیری از آنان منشأ شکل‌گیری اندیشه‌های بیدارگرایانه سعیدی بود.
- ۲- سعیدی با نگارش و ترجمه آثار متعدد در رواج اندیشه احیای تفکر دینی و ارائه راهکارهای عملی در این زمینه نقش مهمی ایفا نمود.

۶- روش تحقیق

روش پژوهش در این پایان‌نامه، روش تحلیل محتوای کیفی است؛ ابزار گردآوری اطلاعات نیز روش کتابخانه‌ای و میدانی است، بنابراین پس از گردآوری اطلاعات، به تحلیل و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

۷- نقد و بررسی منابع

۷-۱ آثار مربوط به بیداری اسلامی

- سیری در اندیشه سیاسی عرب: مؤلف کتاب حمید عنایت، درباره فراز و فرود اندیشه سیاسی عرب در دو سده اخیر، همراه با پاره‌ای ملاحظات انتقادی سخن گفته است. کتاب از پنج بخش تشکیل شده است و در پایان آن سه پیوست آمده است. در بخش نخست از زمینه های فکری و اجتماعی مصر و سوریه که در این زمینه پیش گام بوده اند در آغاز قرن نوزدهم بحث شده است. دومین بخش، گزارش احوال و افکار کسانی است که راه نجات از عقب ماندگی عربها را پیروی از غرب می‌دانستند. بخش سوم اختصاص به پیدایش و رشد اندیشه تجدد دینی دارد. چهارمین بخش، گزارش کوتاهی است از وطن پرستی مصری و پیشگامان ناسیونالیسم در آن خطه. در بخش پنجم با مسئله محدودتر وحدت عربی و عوامل آن آشنا می‌شویم. ما در این رساله بیشترین استفاده را از فصل اول این کتاب داشته‌ایم.

- نهضت بیدارگری در جهان اسلام: کتاب مذکور نوشته تنی چند از محققین و دانشمندان صاحب‌نظر غیر ایرانی همچون الگار، آ. مراد، برک و عزیز احمد است که از جمله پژوهش‌هایی است که به معرفی و تشریح نهضت‌های بیدارگری و اصلاح‌طلبی در کشورهای اسلامی منطقه پرداخته است. این کتاب توسط

سید محمد مهدی جعفری نماینده مجلس شورای اسلامی ترجمه شده و به تشریح نهضت‌های بیدارگری در جهان عرب، ایران، ترکیه، هند و پاکستان اختصاص دارد. ما بیشترین برداشت را از بخش‌های نهضت اصلاح‌طلبی در ایران و نهضت اصلاح‌طلبی در جهان عرب داشته‌ایم.

- **بیداری اسلامی و بیم و امیدهای آن:** این نوشتار کتابچه‌ای است که توسط یوسف قرضاوی تألیف و توسط زاهد ویسی ترجمه شده‌است. مندرجات کتاب شامل برخی مباحث جدید حیات فکری اسلامی است که به‌طور مختصری توضیح داده شده‌است. از جمله این مباحث بیداری احساسات و عواطف در جهان مدرنیسم، بیداری عمل و رفتار و بیداری زن مسلمان است. ما از بخش‌های نخست این کتاب در پیشینه احیای تفکر دینی استفاده کرده‌ایم.

- **ما و اقبال:** کتاب ما و اقبال یکی از آثار مهم و قابل تأمل دکتر شریعتی است که در آن با معرفی اقبال، متنی که دیگر اندیشمندان را پرورش داده‌است، معرفی می‌شود. چرا که در مقدمه همین کتاب آمده‌است که: «اقبال عنوان یک فصل است و با شناختن وی و سید جمال وارد متنی می‌شویم که عنوانش این شخصیت‌ها هستند، متنش خود ما، اندیشه ما، مشکلات و راه‌حل‌های ماست». کتاب حاضر حاوی دو دفتر است، دفتر اول سخنرانی وی در جلسه بزرگداشت اقبال لاهوری است، که از طرف حسینیه ارشاد در اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ برگزار شد و دفتر دوم نوشتار او در باب اقبال است. هر دو متن (گفتار اول و نوشتار دوم) با عنوان ما و اقبال آمده‌است که مجموعاً در پی شناخت شخصیت اقبال و اندیشه‌های اوست با این تفاوت که در نوشتار دوم، بیشتر درس‌هایی که از اقبال می‌گیریم مطرح شده‌است. شریعتی در بخش‌های دیگر این کتاب به تفصیل درباره موضوعاتی دیگر چون: فهم ما از اسلام و تفسیر عینی آن در جامعه، زن متجدد، روشنفکران غرب‌زده، سیاست و اقتصاد در اسلام سخن گفته است.

علاوه بر آثار بالا، منبع عمده این قسمت از کار ما را آثار استاد مطهری تشکیل می‌دهند که به علت گستردگی بحث درباره آن‌ها، دو کتاب مهم را که بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌است را معرفی می‌کنیم:

- **بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر:** این کتاب اثری از آثار استاد مطهری است که در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، ضمن مروری گذرا بر جنبش‌های اصلاح‌طلبانه صد ساله اخیر، واژه اصلاح در فرهنگ اسلامی و مفهوم درست اصلاح‌طلبی در این فرهنگ انسان‌ساز مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله اصلاح‌طلبان سده اخیر که در این بخش از آن‌ها نام برده شده سید جمال الدین اسد آبادی، شیخ محمد عبده و عبدالرحمان کواکبی می‌باشد که عمده‌تاً اصلاح دینی را در جهان تسنن مطرح نموده‌اند. در انتهای این بخش حرکت‌های اصلاحی در جهان تشیع و وجه تمایز آن‌ها با حرکت‌های اصلاحی در جهان تسنن که همانا هدایت و رهبری آنها توسط روحانیت شیعه است مورد بحث واقع شده است. در بخش دوم کتاب، نهضت اسلامی ایران به طور مشخص هدف تحقیق و تتبع قرار گرفته، ماهیت، هدف، رهبری و بالاخره آفات این نهضت به تفصیل بررسی گردیده است.

- **انسان و سرنوشت:** مسئله سرنوشت و قضاء و قدر که در این رساله تحقیقی درباره آن بحث شده است، جزء مسائل فلسفی است و اگر بنا باشد در جای واقعی خود قرار گیرد، باید آن را در فلسفه و در میان مسائل فلسفی جستجو کرد، ولی در این رساله از ردیف اصلی خود خارج شده و در ردیف مسائلی قرار

گرفته که نه از لحاظ موضوع با آن‌ها مرتبط است و نه از لحاظ نتیجه و هدف تعلیماتی. این مسئله در این رساله جزء سلسله بحث‌هایی، تحت عنوان بحث‌هایی از علل انحطاط مسلمین واقع شده است که شامل موضوعات، جریانات و مسائل گوناگون است. موضوعاتی که تحت این عنوان قابل بحث است، بعضی تاریخی و بعضی روانی، اخلاقی، اجتماعی و یا صرفاً دینی و احیاناً فلسفی است. بنابراین، مباحث گوناگونی که در ردیف‌های متعدد قرار دارند، جزء این سلسله مباحث واقع می‌شود. آن‌چه این مباحث گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد، تحقیق در اثرات مثبت و منفی این امور در ترقی و انحطاط اجتماعی اسلام است. منظور از طرح این مسئله در این رساله، اولاً تحقیق در این جهت است که آیا اعتقاد به سرنوشت، آن‌طور که قواعد برهانی فلسفی ایجاب می‌کند، از نوع عقاید و افکاری است که معتقدین خود را به سستی و تنبلی می‌کشاند و مردمی که به این عقیده می‌گیرند خواه ناخواه به انحطاط کشیده خواهند شد، یا این عقیده اگر درست تعلیم داده شود، چنین تأثیر سوئی ندارد؟ ثانیاً اینکه اسلام این مسئله را چگونه و به چه طرز تعلیم داده است و تعلیم اسلامی در این زمینه چه تأثیری در روحیه پیروان اسلام داشته است و می‌تواند داشته‌باشد؟ و چون منظور این جهت بوده، از تعرض به فروع و شاخه‌هایی که با منظور نامبرده ارتباط ندارد خودداری شده است. ما از مطالب این کتاب در بخش علل ناتوانی مسلمین از دیدگاه سعیدی استفاده کرده‌ایم.

۲-۷ آثار سعیدی

مجموعه آثار سید غلامرضا سعیدی پایه و اساس کار پایان نامه حاضر را تشکیل می‌دهد. اما از آن جایی که معرفی تمامی این آثار که تعداد آن به پنجاه اثر هم می‌رسد باعث تکرار مطالب و ملالت خاطر خواننده خواهد شد، فقط چند نسخه از تألیفات و ترجمه‌های وی را در این جا معرفی می‌کنیم. خواننده گرامی می‌تواند در خلال فصول آینده و در بخش منابع با دیگر آثار سعیدی آشنایی کامل را پیدا کند.

۱-۲-۷ تألیفات سعیدی

- فریاد فلسطین و حریق مسجدالاقصی: یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه سید غلامرضا سعیدی، ایجاد اتحاد و حس اخوت اسلامی در میان مسلمانان بود؛ به همین خاطر به مسأله سرزمین فلسطین اهمیت خاصی می‌داد. در همین راستا وی در دومین کنفرانس اسلامی که در شهر کراچی تشکیل شد شرکت کرد و پس از اتمام کنفرانس خلاصه جریان سه روزه کنفرانس و مجموع سخنرانی‌های صورت گرفته را در تاریخ فروردین ۱۳۵۰ در کتابی به نام فریاد فلسطین و حریق مسجدالاقصی گردآوری کرد. به عبارتی می‌توان گفت این کتاب اولین کتابی است که در آن جو خفقان که استعمارگران آمریکائی و انگلیسی در سرزمین‌های اسلامی به ویژه در ایران به وجود آورده بودند، فریاد مردم فلسطین را به وسیله سید غلامرضا سعیدی در ایران به گوش جهانیان رسانید. این کتاب حاوی مطالبی درباره اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی فلسطین و مردم مظلوم آن است که استکبار در آن شرایطی را ایجاد کرده بود که سلطه اسرائیل بر آنان اعمال شود. سخنرانی‌های آتشین و مقالات پر شور سعیدی که به این منظور در کنفرانس ایراد

شد غوغائی در ایران و در میان مسلمانان ایجاد کرد که رژیم پهلوی را مجبور کرد تا با همه توان از حرکت مسلمانان و آزادی خواهان ایران جلوگیری نماید. به هر حال این کتاب به علت داشتن مطالب افشاگرانه که پرده از روی جنایات استکبار برداشته بود و فریاد فلسطینیان را به گوش مردم جهان می-رسانید و سرانجام منجر به ایجاد هسته های مقاومت در بین فلسطینیان شده بود، از سوی رژیم پهلوی ممنوع الانتشار شد.

– مسأله کشمیر و حیدرآباد: کتاب مذکور در ۱۳۲۸ش توسط سید غلامرضا سعیدی تألیف شد. در عصر مؤلف مهم ترین مسأله هندوستان درگیری هندو و مسلمان بود و از آن جایی که سعیدی یکی از نویسندگان مسلمان بود که به اوضاع سرزمین های اسلامی نهایت توجه را داشت، نمی توانست نسبت به کشتار عظیم اقلیت مسلمان در هندوستان به ویژه در کشمیر و حیدرآباد که پس از تشکیل پاکستان خواهان استقلال و یا پیوستن به پاکستان بودند، بی تفاوت باشد. لذا در کتاب مسأله کشمیر و حیدرآباد با عنوان مبارزه گاو پرستان و خداپرستان به این جریان پرداخت و مصائب و مشکلاتی را که هندوها برای مسلمانان ایجاد کرده بودند را تشریح نمود. از نظر او هندوستان برای اقلیت مسلمان به صورت زندانی عظیم درآمد بود که سرنوشت مسلمانان در آن جز قتل و انتحار و شکنجه چیز دیگری نیست. سعیدی در این کتاب اسناد و مدارکی را جمع آوری کرده است که کشتار مسلمانان در سراسر هند را بسیار عظیم می-داند. به همین خاطر او در حمایت از مسلمانان خواهان جدایی آنان از هندوهاست و لذا از تشکیل دولتی مستقل برای مسلمانان به نام پاکستان حمایت می کند.

– الجزایر پیروز: کتاب الجزایر پیروز گردآوری سلسله سخنرانی هایی است که در جشن مسجد فخرالدوله که به مناسبت پیروزی انقلاب الجزایر توسط سعیدی و عده ای از دوستانش بر پا شده بود، ایراد گردیده بود. یکی از مقالات مهم و پر بار این مجموعه مقاله سعیدی است. باید یادآور شد که سعیدی مقالات مختلفی در زمینه انقلاب الجزایر و حرکت مردم قهرمان آن در مجلات و روزنامه های داخل و خارج چون: مجله آئین اسلام، وظیفه و ندای حق چاپ و منتشر می کرد و به وسیله این مقالات آنان را برای رسیدن به هدف که آزادی و استقلال الجزایر بود، تشویق می نمود. به عبارتی می توان گفت پیروزی انقلابیون الجزایری تا حدودی مرهون مقالات و هدایت های سعیدی بود. در مجموعه مقالات کتاب *الجزایر پیروز* نیز محرومیت و مظلومیت انقلابی ها به تصویر کشیده شده و چهره کریه استعمارگران فرانسوی و جنایاتی را که در طول تاریخ بر مردم محروم و مظلوم الجزایر و مسلمانان آفریقا اعمال می کردند برای جهانیان ترسیم شده است.

۷-۲-۲ ترجمه های سعیدی

– عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن: این کتاب توسط جان دیون پورت به انگلیسی منتشر و در ۱۳۳۴ه.ش توسط سید غلامرضا سعیدی به فارسی ترجمه شد. کتاب مذکور را می توان بزرگ ترین سند افتخار مسلمانان جهان دانست که برای دفاع از اسلام و معرفی قرآن کریم نوشته شده است. مؤلف صرف نظر از تشریح جنبه های اعجاز و بلاغت قرآن کریم آثار قطعی علمی و مدنی و عمرانی و اخلاقی آن را علی رغم کوشش های فسادآمیز کلیسا با منطقی دقیق و کوبنده در چهار فصل به شرح زیر: فصل اول:

زندگی محمد (ص)، فصل دوم: قرآن و اخلاق، فصل سوم: رد تهمت‌ها و فصل چهارم: زیبایی‌های قرآن بیان کرده‌است. برای عظمت مقام فکری و روشن‌دلی این مرد دانشمند همین بس که برای دفاع از اسلام و اثبات حقانیت قرآن کریم، جنایت‌های دستگاه و حکومت و ملت استعمارگر خودش را با مدارک مستندی در قیاس با حقانیت و آثار شگفت‌آور قرآن کریم در طی چند قرن آشکار ساخته است. مطالعه این کتاب بی‌نظیر برای دانشجویان و دبیران و آموزگاران سراسر کشور بی‌اندازه مفید و آموزنده خواهد بود. چاپ سوم این کتاب در ۱۳۳۸ ه.ش با استقبال بسیاری مواجه شد و در این سال کتاب عذر تقصیر به عنوان کتاب برگزیده سال معرفی شد.

- نقش اسلام در برابر غرب: این کتاب توسط مارگرت مارکوس بانوی یهودی آمریکائی تألیف و در بهمن ۱۳۴۷ ه.ش توسط سعیدی به فارسی برگردانده شد. نویسنده کتاب بعد از آشنائی با مبادی و اصول اسلام به دین اسلام گرایش پیدا کرد و مسلمان شد و سپس با نام مریم جمیله در پاکستان ازدواج کرد. سعیدی از این بانو بسیار تمجید کرده و بسیاری از مقالات و کتب او را ترجمه نمود. کتاب مذکور نیز از نوشته‌های اوست که حاوی مقالات مختلفی به قلم وی می‌باشد که برخی از آن‌ها را حتی قبل از پذیرش اسلام نوشته‌است. بخش اول کتاب حاوی مطالبی در مورد تحصیلات و پرورش شخصیت مریم جمیله در میان اساتید یهودی می‌باشد که اطلاعاتی بسیار مفید درباره تبلیغات یهودیان ارائه می‌دهد به هر حال مؤلف چگونگی اسلام آوردن خود را در این بخش تشریح کرده‌است. در بخش‌های بعدی نیز به نقد منابع فلسفی ماتریالیسم غربی و نظرات برخی مؤلفین غربی درباره اسلام می‌پردازد. وی در بخش بعدی با یک روش فلسفی موضوعاتی نظیر ممنوعیت عکس و تصویر در اسلام و معنای تکبیر را مطرح می‌کند. در نهایت کتابش را به دادن پاسخ منفی به این سؤال که: آیا اسلام با روح قرن بیستم سازگاری دارد؟، خاتمه می‌دهد.

- کمونیزم و اخلاق: مطالب این کتاب مأخوذ از تحقیقات دانشمندان حقوق مستفاد از مقاله دکتر محمد احسان الله خان پاکستانی است که سعیدی آن را جمع‌آوری و منتشر نمود. در مقدمه کتاب، هدف از تألیف آن صرفاً تحقیق علمی و دفاع از مکتب اسلام ذکر شده‌است. نویسنده در سایه تربیت صحیح، همه افراد بشر را برای وصول به مقصد عالی انسانیت و کمال نفس و بالاخره برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی به درک مدارج اخلاقی دعوت می‌کند و معتقد است که انجام این منظور جز در پرتو اشعه تابناک تعلیمات اسلام و تبعیت از پیامبر اسلام (ص) که مثل اعلی و نمونه اخلاق است، محال است. یکی از مباحث مهم این کتاب تعریف اخلاق و کمونیزم می‌باشد. نویسنده اخلاق را طرز رفتار افراد بشر نسبت به یکدیگر و تشخیص خوبی و بدی می‌داند که بالاخره از حسن و قبح اعمال و اشیاء بحث می‌کند. وی کمونیزم را نیز یک فرضیه اقتصادی برمی‌شمرد که به صورت سازمان دولتی یا یک دستگاه سیاسی درمی‌آید و به عبارتی کمونیزم یک نوع نظریه کامل مادی است که هدف آن تأمین بهبود حوائج طبیعی یا اقتصادی است و مدعی آن است که می‌تواند ریشه فقر را از میان افراد بشر قلع و قمع کند. سپس مؤلف با توجه به تعریف این دو مقوله، به بررسی رابطه میان این دو پرداخته‌است و با آوردن دلایل متعدد به این نتیجه می‌رسد که اخلاق و کمونیزم مخالف یکدیگرند و کمونیزم نمی‌تواند بین مسأله اقتصاد و مسأله اخلاق سازش برقرار کند.

۳-۷ آثار مربوط به کسانی که درباره سعیدی نوشته‌اند

- سیمای سعیدی در آئینه تاریخ: کتاب مذکور توسط یکی از دوستان استاد سعیدی به نام اسدالله کاظمی نوزاد نگارش یافته و در ۱۳۹۱ش توسط انتشارات مهرنورا در مشهد، چاپ و منتشر شده است. مطالب این کتاب از دوران تولد تا مرگ استاد را دربر گرفته است و شامل تحصیلات، موقعیت خانوادگی و نقش ایشان در فعالیت‌های سیاسی ایران می‌شود. در این رساله از مطالبی که در منابع دیگر وجود نداشت از این کتاب گرفته شده است.

- سرو استوار: کتاب سرو استوار پژوهش‌نامه‌ای است که توسط انتشارات انصاریان چاپ شده و شامل مجموعه اطلاعاتی است که در روزنامه‌ها و مجلات دیگر درباره سعیدی منتشر شده است و مطالب تازه آن فقط خاطرات ارتباطی است که نویسنده کتاب یعنی محمدتقی انصاریان در برهه‌ای از زمان با استاد سعیدی داشته است. بنابراین در این رساله فقط از این خاطرات بهره‌برداری شده است.

۳-۷ اسناد و مصاحبه‌ها

بخشی از اطلاعات رساله حاضر برگرفته از اسنادی است که شامل نامه‌های ساواک و یا نامه‌های شخصی سعیدی که با اسدالله کاظمی نوزاد مکاتبه داشته است، می‌شود. در کنار این منابع مجموعه مصاحبه‌هایی نیز با افرادی که با سعیدی در ارتباط بوده‌اند و به هر نحوی شناخت درستی از او داشته‌اند، صورت گرفته و از یادداشت‌ها و نظرات شخصی آقای کاظمی که بیش از دیگران با ایشان در تماس بوده‌اند، بهره برده‌ایم. خواننده می‌تواند اطلاعات کامل درباره اسناد و مصاحبه‌ها را در بخش کتابنامه به دست آورد.

فصل دوم

بیداری اسلامی در خاورمیانه و هند

درآمد

تفکر دینی، نوعی اندیشه مبتنی بر ارزش‌های معنوی و الهی است و احیای تفکر دینی در واقع، به چرخش درآوردن منظومه فکری و عملی انسان در مدار اصول ثابت دینی است. این پدیده طی سه دهه گذشته، توجه محققان و جامعه‌شناسان جهان از جمله دنیای غرب را به خود معطوف کرده است. از آن-جائی که شخصیت مورد تفحص این رساله یعنی سید غلامرضا سعیدی نقشی بس فعال در احیاء تفکر دینی یا به عبارتی بیداری اسلامی در برخی کشورهای جهان اسلام ایفا نموده‌است، ضروری است بحثی درباره احیای تفکر دینی و بیداری در کشورهای اسلامی، در دوران حیات سعیدی، داشته‌باشیم.

۱- مفهوم احیاء تفکر دینی

احیاء بر وزن افعال از ماده حی به معنی زنده بودن یا بیدار بودن می‌باشد چنانکه معادل انگلیسی آن revival به همین معناست. در عربی حیاة به معنای زندگی، هستی و وجود آمده‌است. از این رو احیاء می‌تواند به مفهوم حیات بخشیدن، زنده ساختن، توان مجدد نیز باشد. در فرهنگ‌های فارسی نیز کم و بیش به همین معانی آمده‌است چنان‌که در فرهنگ عمید می‌بینیم، احیاء به معنی زنده کردن، شب زنده-داری، شب را به عبادت گذراندن می‌باشد (فرهنگ عمید ذیل واژه احیاء). اما اگر بخواهیم با رویکردی معرفت‌شناسی به مسأله احیاء تفکر دینی نگاه کنیم اولین سؤالی که پیش می‌آید این است که مفهوم دین چیست؟ برخی بر این نظرند که همه کسانی که در راه احیا یا اصلاح دین کوشش کرده‌اند، معنای واحدی از دین در نظر نداشته‌اند، نویسندگان و محققین هم آن را به یک نحو تعریف نمی‌کنند. نزد عده‌ای دین تنها شامل تجربه درونی پیامبر یا تجربه وحی است که طی آن، او با حقیقت هستی مواجه می‌شود، پرده‌ها کنار می‌روند و حقایق در شعور یا قلب وی متجلی می‌گردند. گروهی از دین، نظر به دعوت اساسی پیامبر و اندازهای او دارند و برخی دیگر همه تعالیم دینی و نهادها و مقررات و احکام را جزء دین می‌شمارند (برهانی، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

آیت الله جوادی آملی دین را این‌گونه تعریف می‌کند: «دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده‌است. پس دین مصنوع و

مَجْعُولِ الْهَيْهِ اسْت، به این معنا که قوانین فقهی و محتوای حقوقی آن را خداوند تشریح و جعل می‌کند همان گونه که محتوای اخلاقی آن را و این که چه اموری جزء اصول اعتقادی این مجموعه باشد نیز از طرف ذات اقدس الهی تعیین می‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۸). باید بگوییم که «دین متشکل از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی یا جمعی است که حول مفهوم غایی سامان یافته است. این حقیقت را می‌توان برحسب تفاوت ادیان با یکدیگر، واحد یا متکثر، متشخص یا نا متشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظایر آن تلقی کرد» (پترسون و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۰). به‌طور خلاصه فلسفه دین که کوششی برای تحلیل و بررسی انتخاب اعتقادات دینی می‌باشد، به‌طور حتم نقش و سهم به‌سزایی در احیاء تفکر دینی و تعریف مجدد از دین دارا می‌باشد (همان: ۲۷).

احیاء دین و تفکر دینی در صورتی معنا دارد و میسر است که دین مورد نظر، قابل بقا باشد. طبعاً آنچه تعلق به زمان و مکان خاصی دارد، در ظرف آن زمان و مکان زنده است و در خارج از آن چه بخواهیم یا نخواهیم امکان بقا و حیات ندارد. از این‌رو باید گفت دین یا ایدئولوژی مفهومی سمبولیک و قابل احیاء می‌باشد. (خالقی، ۱۳۷۸: ۵۲)

احیای دین یعنی چه؟ کسی که دین را احیا می‌کند، چه کاری انجام می‌دهد که به عملش «احیای دین» اطلاق می‌کنیم؟ ممکن است برخی با استناد به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (انفال: ۲۴)، ادعا کنند که ما در قبال حراست یا احیای دین وظیفه‌ای نداریم؛ درحالی‌که براساس این آیه احیاء دین به احیاء امر به معروف و نهی از منکر مربوط است چراکه در ادامه آیه فرموده بهره‌زید از گناهی که اگر آن را مرتکب شوید تر و خشک با هم می‌سوزد. این آیه نشان می‌دهد که این زندگی ما، زندگی دنیایی نیست از نظر مؤمن این زندگی حیوانی است. خدا و پیامبر او می‌خواهند زندگی دینی و معرفتی ما احیا شود؛ قرآن می‌گوید کسانی زنده‌اند که دین و معارفشان زنده است و معارف از طریق امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌شود. کسانی که این آیه را مبنایی برای برداشتن وظیفه احیاء دین از دوش خود قرار داده‌اند می‌گویند که خدا در قرآن آورده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» یعنی ما خود از قرآن حفاظت می‌کنیم. (حجر: ۹) باید گفت این که خدا فرموده ما قرآن را فرستادیم و خودمان از آن محافظت می‌کنیم به این معنا نیست که انسان وظیفه حفاظت از آن را ندارد بلکه کلمه نحن به خدا و خلفای او در زمین (انسان‌ها) برمی‌گردد.

مطهری نیز برای رفع شبهه این افراد می‌گوید: «ممکن است در ذهن‌ها بیاید که این معنا ندارد که ما بخواهیم دین را احیا کنیم، کار به عکس است، دین باید ما را احیا کند، ما نمی‌توانیم دین را احیا کنیم. هیچ منافات نیست که هم دین محیی و زنده‌کننده ما باشد و هم ما وظیفه داشته‌باشیم که محیی و زنده‌کننده دین باشیم... به علاوه، در تعبیرات دین، هر دو آمده است، هم ذکر شده است که دین محیی شماس است، و هم دستورهایی رسیده، به صراحت یا به اشاره، که شما هم باید دین را زنده نگه‌دارید، باید این وظیفه را برای همیشه به عهده داشته باشید و متوجه باشید که باید دین را زنده نگه‌داشت و نگذاشت که دین بمیرد» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳۰-۱۳۱). پس می‌توان گفت، از اصول اولیه احیاء اندیشه دینی این است که اساساً اندیشه دینی نیازمند احیاء باشد تا به احیا آن پرداخته شود. بدین معنا که زمانی احیاء اندیشه دینی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که تفکر دینی مسلمانان مرده و ناقص و فرسوده باشد. فهم این

که اندیشه دینی به راستی می‌گراید یا به کژی و ناراستی، درگرو علایم و نشانه‌هایی است که جامعه مرده را از جامعه زنده و سرپا بازمی‌شناساند. مطهری در کتاب حق و باطل دو نشانه برای مردگی و پژمردگی اندیشه دینی برمی‌شمرد: «یکی از علائم حیات یک جامعه این است که همبستگی میان افرادش بیشتر است و خاصیت مردگی، متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یکدیگر است، و دیگر این که جامعه‌ای مرده است که دروغ را می‌پذیرد اما راست را هرگز حاضر نیست بپذیرد» (مطهری، ۱۳۶۲: ۸۲-۹۰).

عمید زنجانی درباره احیاء تفکر دینی از دیدگاه فقه سیاسی اسلام می‌گوید: «مسأله احیاء تفکر دینی را می‌توان با عناوینی مانند تجدید، اصلاح، انقلاب، قرائت نو و احیای شریعت که در روایات و احادیث نیز آمده است سنجید. ظاهراً مفهوم سنتی احیای تفکر دینی همان معنای تجدید و احیای سنت‌های متروکه می‌باشد که سلفیه هم در همین راستا گام برمی‌داشته‌اند و می‌توان آن را به دو بخش خلاصه کرد: اول، احیای اصول مهمی از دین که به تدریج کم رنگ و حذف شده است. دوم، پالایش اصولی که به شریعت اضافه شده و اصطلاحاً از آن به بدعت تعبیر می‌شود» (عمید زنجانی، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

در واقع احیای اندیشه اسلامی، کوششی فکری است با این دغدغه که روشنفکران نگذارند ارزش حقیقی و عینی دین اسلام و چهره سازنده و تأثیرگذار آن در برخورد با دیگر اندیشه‌های زمان مخدوش و یا پوشیده گردد. مقصود از روشنفکر در اینجا همه کسانی است که مباحث معرفتی را از دیدگاه نو می‌نگرند، پس هم تحصیلکردگان دانشگاهی و هم محصلین حوزوی را شامل می‌شوند. سروش درباره دو اصطلاح احیاگر دینی و روشنفکر تفاوت قائل است او می‌نویسد: «در قله کار روشنفکران دینی احیای دین و نوفهمیدن و بازسازی معرفت دینی است. روشنفکران، همه محیی نیستند اما همه محییان، روشنفکرند. اقبال لاهوری و امام غزالی از این زمره‌اند» (سروش، ۱۳۷۷: ۳۱۸). بی‌شک روشنفکران در حوزه‌های سیاسی، فرهنگ و اقتصاد، نوگرایان جوامع خود می‌باشند و از این دیدگاه شاید اطلاق روشنفکر بر مباحث و مسائل اجتماعی جنبه عمومی‌تر داشته‌باشد در صورتی که احیاگر دینی تنها به مقوله دین و مسائل مربوط به آن می‌پردازد پس می‌توان سخن سروش را با این جمله تکمیل کرد که هر محیی می‌تواند روشنفکر باشد اما پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا سلفیه هم می‌توانند روشنفکر باشند و جامعه را از نظر فکری به دوران قبل از تمدن جدید سوق دهند، و می‌توانند احیاگر دینی محسوب شوند؟ این سؤالی است که اندیشه‌ورزان دینی باید پاسخی مناسب برای آن دریابند (رئیس‌السادات، درس‌گفتار: ۱۳۸۹).

۲- پیشینه احیاء تفکر دینی

احیاگری دینی پدیده‌ای نوظهور نیست و در تاریخ حیات مسلمانان پیشینه‌ای طولانی دارد، به گونه‌ای که فرهنگ احیاگری، بخشی از فرهنگ دینی اسلامی را تشکیل داده‌است. به طور کلی نه تنها جهان اسلام بلکه همه ادیان بزرگ، این جریان را در تاریخ خود تجربه کرده‌اند. در حوزه فرهنگ اسلامی، مصادیق احیای تفکر اسلامی را در دوران حیات پیامبر (ص) می‌توان یافت. قرآن هدف عمده پیامبر (ص) را دمیدن روح حیات به جامعه معرفی کرده‌است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا

دَعَاكُمْ لِمَا يُخَيِّبُكُمْ» «ای اهل ایمان چون خدا و رسول، شما را به چیزی دعوت کنند که به شما حیات می بخشد، آنها را اجابت کنید» (انفال : ۲۴).

اما بعد از رحلت پیامبر در میان بسیاری از مسلمانان شایع شد که ایشان حدیثی را نقل کرده‌اند که خداوند در آغاز هر صد سال، کسی را بر می‌انگیزد تا دین را رونقی بخشد و در نشر احکام و نگهداشت آن بکوشد. چنان که می‌بینیم در کتاب سنن ابی داود آمده است: «حدثنا سليمان بن داود المهری، أخبرنا ابن وهب، أخبرني سعيد بن أبي أيوب، عن شراحيل بن يزيد المعافری، عن أبي علقمة، عن أبي هريرة، فيما أعلم، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ سَنَةٍ مِنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا يَعْنِي پيغمبر فرمود: «خدا برای این امت در سر هر صد سال کسی را مبعوث می‌کند تا دین‌شان را براساس رویدادهای نوین بیان کند» (السجستانی، ۱۴۱۰: ۳۱۱).

از آن جایی که نوعاً منبع حدیث و خبر اهل سنت با شیعیان تفاوت داشته، در بسیاری از موارد احادیث اهل سنت مورد تأیید علمای شیعه نمی‌باشد. مضافاً این که گروه کثیری از فقها و محدثان عامه از نگارش و تدوین حدیث خودداری کرده و به عبارتی فرمان منع روایت حدیث را که از زمان بنی امیه آغاز شده بود، اجرا می‌کردند اما علی‌رغم این ممنوعیت در دوران خلافت معاویه، مسئله جعل حدیث بر ضد علی و خاندان وی به عنوان یک سیاست خصمانه فرهنگی پی‌ریزی شد. از آن جایی که این حدیث در سنن ابی داود از ابوهریره نقل شده است، از نظر علمای خاصه درباره سندیت این حدیث تردید وجود دارد. درباره ابوهریره گفته شده که بیشتر از سایرین حدیث روایت می‌نموده، و چون سواد نوشتن نداشت، آن چه را روایت می‌کرد نمی‌نگاشت و فقط به حافظه خود اعتماد می‌کرد. سابقه وی در جعل حدیث آن قدر زیاد بود که وی را بازرگان حدیث می‌نامیدند (امین مصری، بی تا: ۲۴۷). اما با این حال بسیاری از افراد بوده‌اند که این حدیث را مبنایی قرار داده و براساس آن برای هر صد سال هجری یک مصلح معرفی کرده‌اند. از جمله آن‌ها سخن ملا هاشم خراسانی است که در کتاب منتخب التواریخ به شرح این قضیه می‌پردازد. اگرچه علمای بزرگی چون مطهری و غیره با سخن او موافق نیستند اما از جهت ارائه دیدگاه قسمتی از سخن او را می‌آوریم: «از خواص شیعه این است که در سر هر صد سال هجری یک احیاگر برای مذهب ایشان است. در صد سال اول باقرالعلوم بودند. در صد سال دوم هجری علی بن موسی الرضا (ع)، در صد سال سوم محمد بن یعقوب کلینی، صد سال چهارم هجری سید مرتضی علم الهدی و شیخ مفید و عضدالدوله دیلمی در عراق، در صد سال پنجم؛ مرحوم شیخ طبرسی صاحب مجمع البیان و علماء عصر و سلطان سنجر که مرید آنها بود،...» (خراسانی، بی تا: ۷۵-۷۷).

مطهری درباره سندیت این حدیث می‌نویسد: «اما آیا این حدیث قطع نظر از سندش از لحاظ متن و مضمون، تطبیق می‌کند با تاریخ یا نه؟ یعنی اگر راستی ما در تاریخ اسلام بگردیم واقعاً همین جور است؟ در سر هر صد سال یک احیاء فکر دینی صورت گرفته است؟ یا به تعبیر آن حدیث یک تجدیدی در دین شده است؟ می‌بینیم با تاریخ هم جور در نمی‌آید. البته بعضی از علماء اهل تسنن نشسته‌اند و حساب کرده‌اند یعنی حساب تراشیده‌اند که در اول قرن دوم فلان کس، در اول قرن سوم فلان کس، در اول قرن چهارم فلان کس دین را تجدید و احیاء کرده است. عجیب تر اینست که بعضی علماء شیعه هم به جای این که بگویند این حدیث از ابوهریره و بی اعتبار است و با تاریخ هم تطبیق نمی‌کند پس باید دور بیندازیم

و اگر از پیغمبر اکرم (ص) بود در اخبار ائمه معصومین علیهم السلام هم اثری از آن پیدا می‌شد آنرا مسلم پنداشته و به حساب تراشی پرداخته‌اند. در این حساب‌ها بسیاری از علماء را جزء مجددین حساب کرده‌اند و بسیاری از علماء دیگر را حساب نکرده‌اند و حال آنکه آن حساب نکرده‌ها که گناهشان این بوده‌است که در وسط قرن بوده‌اند احیاناً بیشتر خدمت کرده‌اند. مثلاً شیخ طوسی در این حساب‌ها از قلم افتاده‌است در صورتی که شاید در میان علماء اسلام به اندازه شیخ طوسی کسی خدمت نکرده‌است و شاید یکی دو نفر به ایشان برسند. شیخ مرتضی انصاری نیز از قلم افتاده‌است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

بعد از پیامبر (ص)، امامان شیعه یکایک رسالت احیای دین را داشته‌اند و هر یک از مظاهر اسلام را که از یاد می‌رفته یا تحریف می‌شده‌است، در چهره راستین و بی‌تحریفش می‌نمایاندند (محدثی، ۱۳۸۱: ۲۷۲). شاید بر همین مبنا امیرالمؤمنین امام علی (ع) یکی از اهداف خود را در دوره کوتاه حکومت، احیای معالم جامعه نبوی شمردند و در نهج البلاغه می‌فرماید: أَللّٰهُمَّ اِنك تَعَلَّمْ اَنَّهُ لَمْ يَكُن الذی كَانَ مِنْ اِحْیَاءِ مَعَالِمِ فِی سُلْطَانٍ وَلَا اِتِّمَاسِ شَیْءٍ مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ وَلَٰكِنْ لِنَرْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِیْنِكَ وَ نُظْهِرِ اِلِیَّ الصِّلَاحِ فِی بِلَادِكَ فِی اَمْنٍ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ المُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ: خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما، برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبوده بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد (نهج البلاغه، خطبه‌ها: ۱۳۱).

قیام امام حسین (ع) نسبت به دین و ارزش‌های دینی یک حرکت احیای گرانه بود که با قیام الهی خود بسیاری از ارزش‌های دینی که مهجور و متروک مانده بود احیا کرد چنان‌که خود امام هدف از قیام خویش را اصلاح امت جد خویش و امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند: اِنِّی لَمْ اُخْرِجْ اَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا مُفْسِدًا و اِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ اِلِیَّ الصِّلَاحِ فِی اُمِّهِ جَدِّی، اُرِیدُ اَنْ اَمْرًا بِالمَعْرُوفِ و اَنْهَی عَنِ المُنْكَرِ و اَسِیرَ بَسِیرِهِ جَدِّی و اَبِی عَلِی بِنِ ابِی طَالِبٍ: همانا من برای ایجاد آشفتگی و خودنمایی و نابسامانی و ستمگری خروج نکرده‌ام، بلکه همانا من برای طلب اصلاح امت جدم قیام کرده‌ام و اراده کرده‌ام امر به معروف و نهی از منکر کنم. از این رو می‌توان گفت، نهضت امام حسین (ع) اسلامی بود و اسلام دین جامع و فراگیر است. لذا قیام آن حضرت برای اصلاح همه جانبه امت اسلامی بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۴).

در دوران بنی امیه نیز مردم نسبت به فقه و مسائل دینی آگاهی نداشتند. امام باقر (ع) به رغم حاکمیت جو استبداد و اختناق بر جامعه اسلامی موفق شدند نقش عظیمی در پایه‌گذاری و گسترش نهضت علمی و فرهنگی ایفا کنند و در چنین فضایی به احیای فقه محمدی و گسترش کلیات و فروع آن در میان مردم همت گمارند. فرزند ایشان امام صادق (ع) نیز در یکی از طوفانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام به سر می‌بردند اغتشاشات و انقلاب‌های پیاپی گروه‌های مختلف، به‌ویژه از طرف خون‌خواهان امام حسین (ع) رخ می‌داد. امام صادق در گیر و دار چنین بحرانی می‌بایست به فکر نجات توده مسلمانان از الحاد و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد و با نقشه‌ای دقیق، شیعه را از اضمحلال و نابودی برهاند. پس در چنین شرایط دشواری امام به احیاء و بازسازی معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی به وجود آورد که ثمره آن شاگردانی بود که در تمام کشورهای اسلامی پخش

شدند و بازگو کننده منطق امام که همان منطق اسلام است و پاسدار میراث دینی و علمی و نگهدارنده تشیع راستین شدند.

در دوره بعد محمد بن یعقوب کلینی به عنوان احیاگر اندیشه‌های دینی مطرح شد که او خود از پیشوایان امامیه و عالمان آنان است. معروف‌ترین تألیفات کلینی کتاب باعظمت و گرانقدر و نفیس او کافی است که نه تنها بزرگترین کار او می‌باشد بلکه در جامعه اسلامی کتاب معتبری چون کافی در حدیث تألیف نشده است. کافی نخستین کتاب از کتب چهارگانه و معتبر حدیث و منبع فقه شیعه است که تقریباً از یازده قرن پیش تاکنون مأخذ نخستین کتب فقه و حدیث ما و مدرک و مرجع محدثین و فقها و مستند مجتهدین بزرگ شیعه امامیه در استنباط احکام شرعی می‌باشد (خرمشاهی، ۱۳۸۷: ۲۳).

سپس به دوره سید مرتضی علم‌الهدی می‌رسیم. وی، متولد ۳۵۵ ق و متوفی ۴۳۶ ق می‌باشد. علامه حلی او را معلم شیعه امامیه خوانده است. مردی جامع یعنی هم ادیب و هم متکلم و هم فقیه بوده است. آراء فقهی او مورد توجه فقها است و کتاب معروف او در فقه، یکی *انتصار و دیگری جمل العلم و العمل* می‌باشد. او و برادرش سید رضی، نزد شیخ مفید تحصیل کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۱: ۸۰).

غزالی را نیز یکی از احیاگران دینی شمرده‌اند که نهضت او یک نهضت فکری محض بود. او فکر می‌کرد علوم اسلامی و اندیشه‌های اسلامی آسیب دیده است از این‌رو درصدد احیاء علوم دین برآمد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲).

در پایان باید گفت که در طول تاریخ جوامع اسلامی، در برابر هر سقوط و انحطاط، یک جنبش فکری یا سیاسی به عنوان یک حرکت رستاخیزی، به وقوع پیوسته که هدف آن احیای مجدد دین اسلام بوده است. البته منشأ این انحطاط ممکن است عوامل درون جهان اسلام مانند بی‌کفایتی حاکمان یا عاملان خارجی مثل حمله مغول یا فروپاشی حکومت عثمانی توسط استعمارگران باشد. اعتقاد مسلمانان اهل سنت به این حدیث نبوی انگیزه مهمی برای ظهور جنبش‌های سیاسی و فکری در تاریخ پانزده قرن اسلامی بوده است. در حوزه اهل سنت محوریت اسلام سیاسی بیشتر با مذهب حنبلی گره خورده است و همان‌گونه که صاحب نظریه ادواری معتقد است، آنان براساس حدیث نبوی، در هر صد سال قیام‌کننده‌ای را مهدی می‌دانند. اما در حوزه تشیع دو مؤلفه نهضت انتظار و نهضت عاشورا به عنوان مؤلفه‌های اساسی ظلم‌ستیزی رهنمون و چراغ هدایت در مبارزه با ظلم و شرک، و در ادوار اخیر مقابله با غرب بوده‌اند. به عبارتی دیگر در فرهنگ تشیع هر مؤمنی در هر لحظه گامی برای ظهور امام عصر برمی‌دارد و منتظر نمی‌شود که صد سال فرابرسد چراکه همین انتظار صد ساله تا آمدن مصلح دیگر منجر به نوعی خمودگی در انسان می‌شود. امام در شیعه همیشه همراه با پیرو است و هر وقت ما به کمال کامل برسیم امام ظهور خواهد کرد و به قول شهید مطهری چه هرصد سال یا هر پانصد سال. علاوه‌براین حوادثی از جمله حادثه عاشورا در تاریخ شیعه وجود دارد که مذهب را همیشه زنده نگه می‌دارد، چراکه شیعیان همیشه و هر ساله این رخدادها را یادآوری می‌کنند و آن موضوعات تاریخی را که در سعادت آنها نقش دارند جزئی از دروس زندگی روزمره خود قرار می‌دهند.